



## doi Introduction and Stylistics of the Manuscript of the Usul Qabzah

 Hamid Pooladi<sup>1</sup>

 Hossein Aligholizadeh<sup>2</sup>

Submitted: 24-05-2023 Revised: 10-06-2023 Accepted: 12-06-2023 Published: 23-09-2023 pp.274-305

### Abstract

Usul Qazaba written by Qelichullah Ibn Muhammad Qelich Ansari Gujarati, is one of the most important treatises related to shooting and archery in the Persian language, which was written in the middle of the eleventh century of Hijri. In this treatise, which is written in eleven Criterion, and one Ending, the author describes and explains the discussed topics with complete proficiency. Nine manuscripts have been obtained from this valuable treatise, except for the one of them in Ayatollah Marashi's library with number 16290 in Qom, all other manuscripts are kept in libraries outside Iran. Considering the importance of the subject and content of this treatise, as well as its openness in the understanding and completing the other shooting treatises, the authors intend to introduce and recognize this treatise as much as possible through the textual examining and stylistic analyzing of the only available version, and to prepare conditions for its printing. In the current research, this treatise has been examined from three levels of literature, language and content, and based on its results, several prominent features are worth noting: extensive attention to religious themes and believes; including special and unfamiliar words and terms in the specialized field; Gathering useful information about some topics related to shooting, such as Ghalib and Maghlab, cognition of horse and knowledge of Rijal al-Ghaib; having simple prose and away from complexity; not paying attention to rhetorical and artistic aspects. This research has been carried out with the descriptive-analytical method and using the available library resources.

**Keywords:** Qelichullah Ibn Muhammad Qelich, Usul Qabzah, Codicology, Textology, Archer.

### CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

© Authors, Published by Journal of Codicology and manuscript research. This is an open-access. paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



<sup>1</sup>. Assistant Professor, Department of General Lessons and English Language, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran. – Email:h.poladi@yahoo.com

<sup>2</sup>. Assistant Professor, Department of Persian Literature and the English Language, General Teaching Center, K. N. Toosi University of Technology, Tehran, Iran.



## References

- Anonymous, "Treatise on Archery," edited by Iraj Afshar, Historical Studies, No. 14, pp. 75-88, 1968.
- Anonymous, Treatises on Archery: Ten Treatises on Archery, Bowmanship, and Warfare, introduction, editing and explanation by Mehran Afshari and Farzad Morouji, Tehran, Cheshmeh, 2018.
- Ansari Gujarati, Qalichullah bin Muhammad Qalich, Manuscript of the Principles of Possession, Retrieval Number: 16290, written by Kaliser, copied in India, 1643 AH, Qom, Ayatollah Mar'ashi Library, undated.
- Badawani, Abdul Qadir bin Malukshah, Selected Histories, edited by Mawlavi Ahmad Ali Sahib, with efforts and explanations by Tofigh H. Sobhani, 3 volumes, Tehran, Cultural Works and Celebrities Association, 2000.
- Bahar, Mohammad Taqi, Stylistics, Volume Three, Fourth Edition, Tehran, Amir Kabir, 1976.
- Dorudbashi, Ahmad bin Muhammad, "Jami' al-Hidaya fi 'Ilm al-Rimayah," Farhang-e Iran Zamin, Volume Eleven, edited by Mohammad Taqi Daneshpajuh, Tehran, Bahman Printing House, pp. 229-280, 1963.
- Drait, Mostafa, Catalogue of Iranian Manuscripts (FANKHA), edited by Mojtaba Drait, Tehran, National Archives and Library Organization of the Islamic Republic of Iran, 2011.
- Ebadian, Mahmoud, Introduction to Stylistics in Literature, Second Edition, Tehran, Avaye Noor Publications, 1993.
- Fotouhi, Mahmoud, "Literary Stylistics (The Nature of Literary Speech, Prominence, and Personalization of Language)," Persian Language and Literature Quarterly, Issue 41, pp. 23-40, 2009.
- \_\_\_\_\_, Stylistics; Theories, Approaches, and Methods, Tehran, Sokhan, 2012.
- Gholchin-Ma'ani, Ahmad, Caravan of India, two volumes, Mashhad, Astan Quds Razavi Printing and Publishing Institute, 1990.
- Haghshenas, Ali Mohammad, Phonetics (Phonology), Tehran, Naqsh-e Jahan, 1997.
- Jahangir, Nur al-Din Muhammad Jahangir Gurkani, Tuzuk-e-Jahangiri: Jahangirnama, edited by Mohammad Hashem, Tehran, Iran Culture Foundation, 1980.
- Matini, Jalal, "The Evolution of Script from the 6th to the 13th Century AH," Literary Essays, Autumn, No. 15, pp. 135-162, 1968.
- Mayel-Haravi, Najib, History of Manuscript Copying and Critical Editing of Manuscripts, Tehran, Library, Museum and Document Center of the Islamic Consultative Assembly, 2000.
- National Library (website), at: [www.nlai.ir](http://www.nlai.ir)
- Razi, Amin Ahmad, Haft Aqlim, edited, annotated, and with footnotes by Seyyed Mohammad Reza Taheri (Hasrat), 3 volumes, Tehran, Soroush, 1999.
- Safa, Zabihollah, History of Literature in Iran, Volume Five, Part Two, Fifth Edition, Tehran, Ferdows, 1990.
- Shamisa, Sirius, Stylistics of Prose, Twelfth Edition, Tehran, Matira, 2008.



Studies

**Original Paper**

Report and Review

- The Holy Quran, translated by Mohammad Mahdi Fouladvand, Tehran, Office for the Study of Islamic History and Teachings, Dar al-Quran al-Karim, 2000.
- Yalmehha, Ahmadrza, "Study and Analysis of a Type of Scribes' Interventions in Manuscripts," Journal of Persian Language and Literature Research, Year 3, No. 9, Spring, pp. 139-162, 2011.



## doi معرفی و سبک‌شناسی نسخه‌های خطی اصول قبضه

حسین علیقلی‌زاده<sup>۴</sup>حمید پولادی<sup>۳</sup>

از صفحه ۲۷۴ تا صفحه ۳۰۵ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

## چکیده

اصول قبضه نوشته قلیچ‌الله ابن محمد قلیچ انصاری گجراتی، یکی از مهم‌ترین رساله‌های مربوط به تیراندازی و کمانداری به زبان فارسی است که در اواسط قرن یازدهم هجری به رشته تحریر درآمده است. در این رساله، که در یازده ضابطه و یک خاتمه تألیف شده، نویسنده با اشراف کامل به شرح و توضیح موضوعات مورد بحث می‌پردازد. از این رساله ارزشمند نه نسخه خطی به دست آمده که غیر از نسخه موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی به شماره ۱۶۲۹۰ در قم، تمامی نسخه‌های دیگر در کتابخانه‌های خارج از ایران نگهداری می‌شود. با توجه به اهمیت موضوعی و محتوایی این رساله و نیز راهگشا بودن آن در فهم و تکمیل دیگر رساله‌های تیراندازی، نویسندگان برآنند تا با بررسی و سبک‌شناسی تنها نسخه دردسترس، در معرفی و شناخت هر چه بیشتر این رساله گام برداشته، زمینه چاپ آن را نیز فراهم سازند. در پژوهش حاضر، این رساله از سه سطح ادبی، زبانی و محتوایی مورد بررسی قرار گرفته است که بر این اساس از نتایج آن، چندین ویژگی برجسته شایان یادآوری است: توجه گسترده به مضامین دینی و آموزه‌های مذهبی، اشتغال بر واژگان و اصطلاحات خاص و ناآشنا در حوزه تخصصی؛ دربرداشتن اطلاعات مفید درباره برخی موضوعات مرتبط با تیراندازی مانند غالب و مغلوب، شناخت اسب و معرفت رجال الغیب؛ داشتن نثر ساده و به دور از پیچیدگی؛ بی‌توجهی به آرایه‌های بدیعی و بیانی. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع موجود کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است.

**کلمات کلیدی:** قلیچ‌الله بن محمد قلیچ، اصول قبضه، نسخه‌شناسی، متن‌شناسی، کمانداری.

**Cite this article:** Pooladi, Hamid; Aligholizadeh, Hossein. (2023) Introduction and stylistics of the manuscript of the Usul Qabzah. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskhah/shināsi va taṣḥīḥ-i mutūn). vol-3, Issue-2, 274-305.  
<https://doi.org/10.22034/crtc.2023.172541>

۳. (نویسنده مسؤل) استادیار، گروه دروس عمومی و زبان انگلیسی، دانشکده مدیریت و صنایع، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران. h.poladi@yahoo.com  
۴. استادیار، گروه ادبیات فارسی و زبان انگلیسی، مرکز آموزش‌های عمومی، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، ایران.



## ۱. مقدمه

یکی از موضوعاتی که از دیرباز مورد توجه نویسندگان زبان فارسی بوده و همواره جایگاه برجسته‌ای نزد آنان داشته، جنگاوری و فنون نظامی است. با جستجو در منابع مختلف و فهرست نسخه‌های خطی، به خوبی می‌توان دریافت که در هر دوره‌ای، چه پیش از اسلام و چه پس از آن، نگارش رساله‌هایی از این دست، به‌ویژه با موضوع تیراندازی و کمان‌داری به دلایل مختلف از اهمیت بالایی برخوردار بوده و کتاب‌ها، رساله‌ها و نسخه‌های خطی متعددی از این موضوع بر جای مانده که بسیاری از آنها هنوز ناشناخته باقی مانده است؛ بر این اساس ضرورت و اهمیت معرفی این نسخه‌های خطی ارزشمند، که در احیای فرهنگ و تمدن درخشان ایران اسلامی نقشی بسزا دارد، غیرقابل انکار است؛ گرچه «مع‌الأسف... فن نقد و تصحیح متون آن چنان که در خور آن است و به آن گونه که جواب‌گوی انبوه نسخ خطی نگارش‌های فارسی باشد، در میان فاضلان روزگار ما آشکار نشده است.» (مایل‌هروی، ۱۳۷۹: ۳۸۱-۳۸۰)

از سوی دیگر این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که بسیاری از این نسخه‌های خطی مربوط به تیراندازی و کمانداری در کتابخانه‌های خارج از ایران، از جمله در هند و روسیه و پاکستان نگه‌داری می‌شود و دستیابی پژوهشگران به آنها به دلایل مختلف دشوار شده است. با وجود همه این مسائل، شایسته است تلاش‌های بیشتری در این زمینه صورت گیرد تا رساله‌های چاپ‌نشده به زیور طبع آراسته گردد. یکی از این نسخه‌های خطی، رساله اصول قبضه از انصاری گجراتی است؛ از این رو نویسندگان برآنند تا با بررسی تنها نسخه موجود در ایران، ضمن معرفی، بررسی سبک‌شناسانه و متن‌شناسی آن، زمینه‌آشنایی پژوهشگران با این رساله و نیز مقدمه چاپ و ویراسته این نسخه ارزشمند را فراهم سازند.

این پژوهش برپایه این فرضیه و پرسش بنیان نهاده شده که این رساله در بین دیگر رساله‌های هم‌موضوع چه جایگاهی دارد و در جریان‌شناسی رساله‌های مربوط به تیراندازی و تکمیل و تبیین آنها، چه اهمیت و مزایایی می‌تواند داشته باشد.



## ۱-۱. پیشینه پژوهش

از سالیان گذشته تا به امروز فقط می‌توان به چند پژوهش ارزشمند صورت گرفته در حوزه تیراندازی و کمان‌داری اشاره کرد: نخست چاپ رساله «جامع الهدایه فی علم الرمایه» توسط محمدتقی دانش‌پژوه در سال ۱۳۴۳ که البته بدون تصحیح و پژوهش بوده؛ دوم چاپ رساله «کمانداری» توسط ایرج افشار به سال ۱۳۴۷؛ و در نهایت چاپ ده رساله در تیراندازی و کمانداری و جنگاوری به تصحیح مهران افشاری و فرزاد مروجی در سال ۱۳۹۷.

با توجه به اینکه این رساله تاکنون به چاپ نرسیده، هیچ پژوهش مستقلی درباره آن انجام نگرفته و اطلاعات اندکی که از این رساله موجود است، فقط در فهرست نسخه‌های خطی است؛ بنابراین این مقاله نخستین پژوهشی است که به بحث و بررسی درباره متن رساله و معرفی آن می‌پردازد.

## ۲-۱. روش پژوهش

این پژوهش در بخش معرفی نسخه با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از منابع موجود انجام گرفته و در بخش بحث و بررسی، توصیفی-تحلیلی است که مبانی نظری آن از برخی از پژوهش‌های معاصر، مانند سبک‌شناسی نثر برگرفته شده و توصیف و تحلیل پژوهش نیز برپایه متن نسخه خطی اصول قبضه است.

## ۲. نام و نسب نویسنده

نویسنده «از طایفه جان قربانی است. آبا و اجدادش در خدمت سلاطین جغتای صاحب نسبت بوده‌اند، خصوص جدش که در ملازمت ابوالغازی سلطان حسین میرزا مرتبه‌ای قوی داشته». (رازی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۸۱) نام پدرش «قلیچ محمدخان» است که از امرای اکبرشاه و جهانگیرخان بوده (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۴۰۲) با وجود ملازمت دربار، طبع شعر داشته و به الفتی و لامعی تخلص می‌کرده و در دین پاک اعتقاد بوده است. (بداؤنی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۳۱)

نام برادر بزرگ او «چین قلیچ‌خان» است که پیش از مرگ پدر، حاکم بندر سورات بوده و طالب آملی، شاعر پرآوازه قرن یازدهم، اشعاری در مدح او سروده است. (صفا، ۱۳۶۹: ۱۰۵۹) همین برادر، پس از فوت پدر، حکمرانی مناطق کابل، گجرات، لاهور و جونپور را بر عهده داشته است. نویسنده، برادر دیگری به نام لاهوری نیز داشته است. (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۱۷۱) همچنین سیف‌الله نام دیگر برادر نویسنده است که در اصول قبضه از آن یاد شده است.



(انصاری گجراتی، بی تا: ۵۰)

درباره خود نویسنده رساله، علیرغم جستجوی فراوان، اطلاعاتی یافت نشد. تمامی شناخت و دانسته‌های ما از او تنها منحصر به متن همین رساله اصول قبضه است. نام وی، همچنان که خود به تصریح ذکر کرده، «قلیچ‌الله بن محمد قلیچ‌خان جان<sup>۵</sup> قربانی<sup>۶</sup> حسینی انصاری گجراتی» است که در قرن یازدهم از بزرگان و استادان فن تیراندازی و کمانداری در هند به حساب می‌آمده است. اهتمام نویسنده به این فن و مهارت و تسلط فراوان او را در این زمینه می‌توان از دو منظر دریافت: یکی ذکر نام استادان متعددی، چون آخند ملا نظر بدخشی، استاد بخش، حاجی نظر، میرزا طاهر بیگ ولد نظر بهادر، زادکی و دیگر اظهارنظرهای تخصصی او درباره موضوعات مختلف تیراندازی که مبنا و معیار این اظهارنظرهای نویسنده بیشتر تجربه شخصی خود اوست که در بیان این نظرها همواره خود را با خطاب‌های متواضعانه و خاضعانه چون «فقیر»، «این بی‌حاصل»، «کمترین شاگردان»، «حقیر»، «کمترین عباد»، «احقر عباد» و... یاد می‌کند.

همچنین، چنان که از متن رساله برمی‌آید، افزون بر خود نویسنده، بسیاری از بستگان و نزدیکان او نیز، از جمله پدر و برادران و نیز خویشاوندان وی مانند امیر کلنگ، همگی در تیراندازی مهارت بسیار زیادی داشتند.

درباره زمان و سبب نگارش رساله، خود نویسنده به تصریح می‌گوید: «این رساله را در ماه ذی‌الحجه سنه ۱۰۳۹ به التماس فرزندی نور دیده کی حسام‌الدین محمد، طال الله عمره، در خونپور ابتدا نموده بود، اما توفیق به اتمام آن رفیق نمی‌شد.» (انصاری گجراتی، همان: ۱۰۲) وی پس از وقفه‌ای طولانی، سرانجام این رساله را به تشویق و تأیید استاد خود، زادکی، به اتمام می‌رساند. نکته دیگر اینکه هرچند در دوران نویسنده رساله‌های متعددی در این زمینه نوشته شده، نویسنده مدعی است که: «حق علیم است که کمترین هیچ‌کدام از آن رساله ندیده؛ آنچه نوشته است، از روی یادداشت نوشته.» (همان: ۱۰۴)

از نظر اعتقادی نیز، بنا بر آنچه از رساله برمی‌آید، نویسنده مسلمان، و از اهل تسنن است. این موضوع را به راحتی می‌توان از جمله‌های متعدد دعایی، مانند «صحابه، رضی الله عنهم اجمعین» و «اصحاب، رضوان الله

۵ در متن نسخه: خونی / حونی (۱۴)

۶ در متن نسخه: فرمانی / فرمایی (۱۴)

۷ نسخه خطی مورد مطالعه ۵۸ برگ دو صفحه‌ای است که در پژوهش حاضر برای دقیق بودن نشانی شواهد، به شماره صفحه ارجاع داده شده است نه شماره برگ.



علیهم اجمعین» آشکارا دریافت.

### ۳. موضوع و ساختار رساله

موضوع اصلی رساله اصول قبضه تیراندازی و کمانداری است که نویسنده در یازده ضابطه و یک خاتمه به صورت جداگانه مورد بحث قرار داده است. رساله با آیاتی از قرآن کریم آغاز می‌شود، سپس نویسنده به نقل احادیث و روایاتی در تمجید و تعظیم تیراندازی می‌پردازد و اهمیت و جایگاه والای آن را یادآوری می‌کند و سپس فهرستی از مطالب رساله ارائه می‌دهد:

ضابطه اول: در بیان اقسام قبضه؛

ضابطه دوم: در تعریف کشش کمان؛

ضابطه سوم: در اوصاف اقسام تیرها؛

ضابطه چهارم: در صفت کمان و نگهداشت آن؛

ضابطه پنجم: در وزن کردن کمان و تیر؛

ضابطه ششم: در صفت چله؛

ضابطه هفتم: در آموختن شاگرد تیراندازی را؛

ضابطه هشتم: در آداب کمانداری؛

ضابطه نهم: در طریق کزاندازی و صفت آن؛

ضابطه دهم: در اوقکسمک انداختن و قبض اندازی و غیره؛

ضابطه یازدهم: در ورزش بی‌خطا شدن و سبب بیدهی شدن؛

خاتمه: فصل اول: در بیان معرفت رجال الغیب و سکریلدر و دساسول؛ فصل دوم: ضابطه غالب و مغلوب؛ فصل

سیوم: در طریق استخاره و ادعیه مأثوره؛ فصل چهارم: در وزن آتش بازی؛ فصل پنجم: در شناخت اسب.



البته شایان یادآوری است که عناوین ضابطه‌ها و فصل‌ها در فهرست ذکرشده در ابتدای رساله، با عنوان آنها در خلال متن تفاوت‌های جزئی دارد. همچنین نکته دیگر اینکه نویسنده در خلال طرح این ضابطه‌ها، توضیحاتی تکمیلی را با عنوان «فایده» می‌آورد.

#### ۴. معرفی نسخه‌های رساله

از رساله «اصول قبضه» براساس فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) و تارنمای کتابخانه ملی (www.nlai.ir) نه نسخه موجود است که غیر از یک نسخه، بقیه آنها در کتابخانه‌های خارج از ایران ثبت و نگهداری می‌شود.

#### ۴-۱. نسخه خطی موجود در ایران

شماره بازیابی نسخه: ۱۶۲۹۰؛ محل نگهداری: قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی؛ وضعیت استنساخ: هند، ۱۰۵۳ ه.ق. کالیسر؛ مشخصات ظاهری: ۵۸ برگ (۱۱۵ صفحه)، ۱۱ سطر (۱۴/۵×۷/۵) سطر، ۲۴/۵×۱۵ س م؛ نوع کاغذ: شرقی؛ نوع و تزئینات جلد: مشمع مشکی، عطف: تیماج مشکی؛ خط: نستعلیق؛ آغاز: «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی»؛ انجام: «پرسیدند که یا رسول بهترین اسب کدام است فرمود کمیت بی‌نشان چهار دست‌وپا سیاه بهترین اسب‌هاست. بعد از آن سیاه یکرنگ والله اعلم بالصواب. از بزرگان و یاران آنچه... تند نوشته شد. تمت هذه الرساله؛ ترقیمه بتاریخ یازدهم شهر ذی‌القعدة سنه ۱۰۵۴ هجری اتمام یافت کتبه العبد کالیسر غفر له». عنوان‌ها و نشان‌ها: قرمز. نسخه‌ای است نفیس و نایاب. متأسفانه بر اثر آفت و رطوبت آسیب شدید دیده، سپس ترمیم و برگ‌های متن حاشیه‌بندی شده است.

#### مشخصات این نسخه خطی

#### ویژگی‌های رسم الخطی:

در دوره‌های مختلف تاریخی، کاتبان و نویسندگان در نگارش نسخه‌ها، خطوط و رسم الخط‌های گوناگونی به کار می‌برده‌اند و سلیقه آنها در نوع نسخه‌نویسی بسیار دخیل بوده است. البته باید گفت در میان کاتبان به‌طور کلی اصول و چارچوبی معمول بوده است که دستور دبیری از میهنی در قرن شش نیز مؤید این معناست؛ گرچه این



اصول در برخی از دوره‌ها همگانی و لازم‌الاجرا نبوده است. از این میان، در دوره صفوی بیشتر کاتبان از رسم‌الخط‌های همسانی بهره می‌بردند: «در نسخه‌های مکتوب در قرن یازدهم و دوازدهم هجری اساس بر آنست که کاتبان حروف پ، چ، ژ را تقریباً در تمام موارد با سه نقطه، و حرف گ را به شکل ک نوشته‌اند.» (متینی، ۱۳۴۷: ۱۵۸)

- پیوسته‌نویسی «آن» و «این»

انجماعه (انصاری گجراتی، همان: ۵)؛ آنسرور (همان: ۷)؛ ازینجهه (همان: ۱۸)؛ ازینقبضه (همان: ۲۲)؛ از آنجمله (همان: ۲۲)؛ آباشد (همان: ۲۹)؛ آنست (همان: ۳۰)؛ آنضمن (همان: ۵۵)؛ اینچنین (همان: ۸۲)؛ آنچنان (همان: ۸۵)؛ اینعلم (همان: ۱۰۱).

- پیوسته‌نویسی «است»

منقولست (همان: ۴)؛ عبادتست (همان: ۵)؛ آزاد کردنتست (همان: ۶)؛ بیرونست (همان: ۱۳)؛ عجائبتست (همان: ۱۶)؛ همینست (همان: ۲۰)؛ یکسانست (همان: ۵۱)؛ ماهیست (همان: ۵۲)؛ واجباتست (همان: ۵۵)؛ متعارفتست (همان: ۸۳).

- جدانویسی «است»

نفل است (همان: ۴)؛ مسمی است (همان: ۱۴)؛ مذموم است (همان: ۲۳)؛ منقول است (همان: ۸۱)؛ متعارف است (همان: ۸۴)؛ همین است (همان: ۸۴)؛ واجب است (همان: ۹۰).

- پیوستن «می» استمراری به فعل پس از خود

میفرماید (همان: ۷)؛ مینمود (همان: ۹)؛ نمیرسد (همان: ۱۳)؛ میشود (همان: ۱۴)؛ میپذیرد (همان: ۱۸)؛ میگیرند (همان: ۲۰)؛ میگردد (همان: ۵۱)؛ میکشند (همان: ۸۸).

- جدا نوشتن «می» استمراری با فعل پس از خود

می‌آورد (همان: ۱۰)؛ می‌باشد (همان: ۱۱)؛ می‌شود (همان: ۱۸)؛ می‌دارند (همان: ۲۰)؛ نمی‌باشد (همان: ۲۰)



(۲۲)؛ می‌پیچند (همان: ۹۶).

- حذف «ه» غیرملفوظ در کلمات مختوم به «ها»ی جمع

ضابطه‌های (همان: ۱۱)؛ قبضه‌ها (همان: ۲۲).

- پیوستن حرف اضافه «به» به کلمه پس از خود

بتواتر (همان: ۳)؛ بدولت (همان: ۴)؛ بعیادتش (همان: ۸)؛ بمیدان (همان: ۹)؛ بنعلین (همان: ۱۰)؛ بکمان (همان: ۱۱)؛ بکدام (همان: ۱۲)؛ باصلاح (همان: ۱۳)؛ بانواع (همان: ۱۴)؛ ببهرام (همان: ۱۷)؛ بجهت (همان: ۵۱)؛ باتش (همان: ۸۳)؛ بطریقی (همان: ۸۶)؛ براست (همان: ۹۰).

- پیوستن «بی» به کلمه پس از خود

بیحاصل (همان: ۱۴)؛ بیخطا (همان: ۱۶)؛ بیحضور (همان: ۹۰).

- اتصال نشانه مفعولی «را» به کلمه مفعول

کمانرا (همان: ۱۱)؛ پایانرا (همان: ۱۷)؛ انرا (همان: ۲۲).

- ثبت / حذف نشانه مد در «آ»

درآمد و برآمد (همان: ۱۴)؛ آداب (همان: ۱۵)؛ آید (همان: ۱۸)؛ آنکه (همان: ۱۹)؛ آفتاب (همان: ۸۴)؛ آنچه (همان: ۹۴)؛ آفتاب (همان: ۹۴)؛ آسمان (همان: ۱۰۶).

- نگارش «آ» به جای «ی» نکره (در کلمات مختوم به «ه» غیرملفوظ که باید به شکل «ای» نوشته شود)

ضابطه‌ها (همان: ۱۳)؛ دقیقه‌ها (همان: ۱۳)؛ قطعه‌ها (همان: ۱۱۰).

- یای میانجی: حذف / ثبت / جایگزینی «آ»

دانه [ی] انگور (همان: ۱۷)؛ قبضه‌ها بهرامی (همان: ۱۸)؛ خطه‌ها روم (همان: ۱۹)؛ کمان‌ها [ی] آنجا (همان: ۵۱)؛ ملاحظه‌ها غنیم (همان: ۷۹)؛ گوشه [ی] کمان (همان: ۸۶)؛ خانه کمان (همان: ۸۷)؛ پاره چوپ (همان: ۸۷).



۹۵؛ سوراخ‌ها [ی] بینی (همان: ۱۱۴).

- نگارش «گ» به صورت «ک»

برک بید (همان: ۱۲)؛ کوشه (همان: ۵۶)؛ شاکرد (همان: ۶۲)؛ می‌گذارم (همان: ۸۲)؛ انکشت (همان: ۹۸)؛  
کوشت (همان: ۱۱۲).

- حذف سرکش «ک» و «گ» و گذاشتن «ء» به جای آن

جنگ (همان: ۱۶)؛ گویند (همان: ۲۱)؛ کشش (همان: ۲۴)؛ بنگاله (همان: ۵۲)؛ کمان (همان: ۷۹)؛ کان  
(همان: ۸۰)؛ کند (همان: ۸۳)؛ گوش (همان: ۸۷)؛ رکاب (همان: ۸۸)؛ مرکز (همان: ۹۱)؛ کمترین (همان:  
۱۰۸).

- ثبت / حذف نشانه تنوین در کلمات تنوین‌دار

جبراً (همان: ۱۸)، فرضاً (همان: ۵۲)، تخمیناً (همان: ۵۲)، مطلقاً (همان: ۹۲)، سابقاً (همان: ۹۹)، ظاهراً  
(همان: ۱۱۴).

- منفصل / متصل نوشتن کلمات مرکب

خدایتعالی (همان: ۷)؛ اوق کسمک (همان: ۱۱)؛ یکموی (همان: ۲۱)؛ چنگلباز (همان: ۲۱)؛ چنگل باز  
(همان: ۲۲)؛ سپاهگیری (همان: ۷۶)؛ اوقکسمک (همان: ۸۶)؛ هیچکدام (همان: ۸۹)؛ پیش‌دستی (همان:  
۸۹)؛ یکصفحه (همان: ۱۰۲).

- نقطه‌گذاری نادرست کاتب (نگذاشتن نقطه، اضافه گذاشتن نقطه، جابه‌جایی نقطه)

- رکابه‌نویسی: ذکر کلمه اول صفحات زوج در پانویشت چپ صفحات فرد

- نشانه‌گذاری: سه ویرگول (یا سه نقطه) (نشانه پایان مصرع یا بیت، برای متمایز کردن دو مصرع)؛ خط فاصله  
(برای متمایز کردن ضابطه‌ها و فایده‌ها و برشمردن انواع)؛ یک ویرگول (برای جداسازی مترادفات و کلمات  
معطوف).

- تشدید: نبود معیار ثابت در ثبت نشانه تشدید و گاه ثبت آن بدون ضرورت

**ویژگی‌های ظاهری:**

- مخدوش شدن برخی از صفحات به دلیل صحافی؛
- ناخوانا بودن برخی از کلمات متن به دلیل رطوبت کاغذ، پخش جوهر، چسب زدن و کهنگی نسخه؛
- نوشتن اعداد با خط قرمز بر بالای اعداد حروفی.

**وجود برخی اشکالات نگارشی:**

این نسخه خطی با وجود نفیس بودن و داشتن خط نسبتاً خوب، دارای اشکالات متعددی است. وجود اشکال در نسخه‌های خطی معمولاً از سهو و خطای چشم کاتب نشئت می‌گیرد، گرچه عوامل دیگری، مانند کم‌سوادگی و بی‌اطلاعی نیز می‌تواند دخالت داشته باشد: «بسیاری از اغلاط، سهوآمیز است و بسیاری نیز از روی قصد و عمد صورت پذیرفته است.» (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۵۲) برخی از اشکالات این نسخه همراه با نمونه‌هایی در ادامه بیان می‌شود:

**اشتباه‌های نگارشی و کتابت:** الحمد لله: و الحمد لله (انصاری گجراتی، همان: ۳)؛ عید الله: اید الله (همان: ۵)؛ خوردسالی: خردسالی (همان: ۱۸)؛ صبابه: سبابه (همان: ۲۲)؛ می‌باد: می‌باید (همان: ۲۴)؛ قورغ: قرق (همان: ۴۲)؛ حسب الا التماس: حسب الالتماس (همان: ۵۰)؛ جو: نو (همان: ۵۱)؛ قزاقی: قزاقی (همان: ۶۱)؛ موفق: موفق (همان: ۷۸)؛ غر: ظفر (همان: ۷۹)؛ خوبانیده: خوبانیده (همان: ۸۶)؛ بی‌نذیر: بی‌نظیر (همان: ۸۹)؛ می‌گیرند: می‌گیرند (همان: ۹۲)؛ خوردان: خردان (همان: ۹۶)؛ فصل دهم: تکرار فصل دهم به جای یازدهم (همان: ۹۷)؛ مستور: مسطور (همان: ۹۷)؛ جاه: جاده (همان: ۱۰۶)؛ علیه الرحمته: علیه‌الرحمه (همان: ۱۰۷)؛ دورد: درود (همان: ۱۰۸).

**اشتباه در ذکر آیات و احادیث:** تُرْهِبُونَ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ: تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ (همان: ۴)؛ من علم الرّمی لم ترک فلیس مناه: مَنْ عَلِمَ الرّمى ثُمَّ تَرَكَهُ فَلَيْسَ مِنَّا (همان: ۱۰)؛ أَيْنَظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ نِيَّاتِكُمْ: يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَ نِيَّاتِكُمْ (همان: ۷۷)؛ الله بالله: الا بالله؛ الموقف: الموقف (همان: ۱۰۱).

**تکرار واژه:** دست (همان: ۲۵)؛ نصف (همان: ۴۳)؛ آماج (همان: ۴۵)؛ سه سال؛ برای (همان: ۴۷)؛ همیشه دم (همان: ۵۰)؛ گوشه (همان: ۵۴)؛ اگر (همان: ۵۵)؛ سی (همان: ۵۸)؛ اگر خواهد (همان: ۶۴)؛ استاد (همان: ۶۹)؛ صاف (همان: ۸۵)؛ تکه (همان: ۹۷)؛ تا آنکه پانصد (همان: ۹۸)؛ از آن (همان: ۱۰۴).



حذف «و» معطوف: نوکدار [و] آبدار (همان: ۴۵)؛ سیزده [و] دو (همان: ۴۸)؛ خوش تهیه [و] اعلی (همان: ۵۱)؛ لطیف [و] ناشکننده (همان: ۵۳)؛ بی‌ریسه [و] بی‌گره (همان: ۵۸)؛ به کاهلی [و] اضطراب (همان: ۶۴)؛ جنگ مغلوب [و] جنگ گریز (همان: ۷۴)؛ پست [و] بلند (همان: ۸۵)؛ سرور [و] سید کائنات [و] خلاصه موجودات (همان: ۱۱۵).

شایان یادآوری است که پس از کتابت نخستین، بر روی نسخه دخل و تصرف شده و تغییراتی در متن آن اعمال گردیده که این تغییرات در نسخه آشکار است.

#### ۲-۴. فهرست نسخه‌های موجود در کتابخانه‌های خارج از ایران

در خارج از ایران هشت نسخه از این رساله موجود است، با این مشخصات:

- ۱) شماره‌بازیبی نسخه: ۲۰؛ محل نگهداری: اتک، کتابخانه مولانا محمدعلی (مکهد)؛ وضعیت استنساخ: عبدالکریم بدخشی، ۱۰۹۱ ه.ق.؛ مشخصات ظاهری: ۷۲ صفحه؛ خط: نستعلیق؛ آغاز: اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يَصَلُّونَ عَلٰى النَّبِيِّ... که خلاصه موجودات است<sup>(ص)</sup> تیراندازی را بسیار ستایش فرموده.
- ۲) شماره‌بازیبی نسخه: (۴۲۵۱) TA.۴؛ محل نگهداری: حیدرآباد، کتابخانه سالار جنگ؛ وضعیت استنساخ: ناگپور، آغاز قرن ۱۲؛ مشخصات ظاهری: ۵۸ برگ، ۱۵ سطر، ۱۴×۲۴ س م؛ خط: شکسته نستعلیق؛ آغاز: اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يَصَلُّونَ عَلٰى النَّبِيِّ... که خلاصه موجودات است<sup>(ص)</sup> تیراندازی را بسیار ستایش فرموده؛ انجام: و خدمت تقصیری از خود راضی نخواهد بود. سرفصل‌ها قرمز. لکه‌های رطوبت. کرم‌خوردگی دارد. وضعیت متوسط. لازم است دوباره صحافی شود. Acc. ۱۴۵۲.
- ۳) شماره‌بازیبی نسخه: ۵۸۰/۱ و ۷۴؛ محل نگهداری: میلسی، کتابخانه سردار جهندیر (میان مسعود احمد)؛ وضعیت استنساخ: قرن ۱۲؛ خط: نسخ؛ آغاز: سبحان ربك رب العزه عما يصفون... نسخه افتادگی از انجام دارد. ش ۱ در مجموعه سپس دو رساله دیگر در تیراندازی. مهر «عبده عطا محمد»؛ برگ ۶۸ ب.
- ۴) شماره‌بازیبی نسخه: فنون نظامی ۲۳؛ محل نگهداری: لکنو، کتابخانه ندوه العلماء؛ مشخصات ظاهری: ۳۴ صفحه، ۱۹ سطر، ۲۱×۱۶ س م؛ خط: نستعلیق؛ آغاز: به عرض جوانان نیکوکردار و شجاعت متکان



- صلاح آثار می‌رساند...؛ انجام؛ و تیرانداز سوفار تیر را... کرد است و اگر اندک راه نیز است رفت و از آنجا حرکت کرده... انداخت بود گناه تیرانداز است؛ گرم‌خورده و مرکب خطوط پخش شده است.
- (۵) شماره بازیابی نسخه: ۵۱۱ فارسی؛ محل نگه‌داری: مدراس، کتابخانه دولتی مخطوطات شرقی؛ وضعیت استنساخ: ۱۲۰۰ ق.؛ مشخصات ظاهری: ۵۶ صفحه، ۱۹ سطر؛ خط: شکسته؛ آغاز: بسم الله الرحمن الرحیم- سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين؛ نسخه به نواب غلام محمد غوث خان بهادر توسط معلم وی ابوطیب خان والا تقدیم شده است.
- (۶) شماره بازیابی نسخه: ۴۰۵۱۸ شماره داخلی؛ محل نگه‌داری: حیدرآباد، کتابخانه آصفیه (کتابخانه و مرکز تحقیقات مخطوطات شرقی).
- (۷) شماره بازیابی نسخه: ۷۶۱ فارسی؛ محل نگه‌داری: مدراس، کتابخانه دولتی مخطوطات شرقی؛ وضعیت استنساخ: ناکاپور سرکار قلعه، ۵ شعبان ۱۹۰۰ م = ۱۳۱۸ ه.ق.؛ مشخصات ظاهری: ۷۸ صفحه، ۲۰ سطر، ۲۸×۲۴ س م؛ آغاز: سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين حمد نامتناهی و سپاس و ستایش کما هی مر کردگار؛ انجام: اگر کسی این عمل را التزام کند به مراد رسد دیگر فایده‌ها را ازو جایی که یا بند در تمت این رساله درج کند تحریراً فی التاریخ پنجم شعبان المعظم سنه ۱۹۰۰ به وقت چاشت به اتمام رسید در مقام ناکاپور سرکار قلعه... ختم شد.
- (۸) شماره بازیابی نسخه: ۹۴۷/۲ فارسی حبیب گنج (۲: H.G.۵۰/۱۵۵)؛ وضعیت استنساخ: ۱۱۱۴ ق.؛ مشخصات ظاهری: ۱۷ ب-۵۹ ب (۴۲ برگ)، ۲۲ سطر (۸×۱۵)، سطر ۱۲×۲۲ س م؛ خط: نستعلیق؛ آغاز: سبحان ربك رب العزة عما يصفون.

## ۵. ویژگی‌های سبکی

بررسی سبک‌شناسانه یکی از مهم‌ترین ابزارهای شناخت یک متن و تبیین و تشخیص ویژگی‌های برجسته آن است. استخراج مؤلفه‌های سبکی یک اثر، در جریان شناسی زنجیره سبکی دوره و شناخت سیر تغییرات و تحولات سبکی کمک شایانی می‌کند. سبک، چنان‌که گفته شده است، محصول گزینش واژگان، نگرش و جهان‌بینی خاص و هنجارگریزی یا انحراف از نرم است. ماتزیوس درباره کیفیت سبک، سه عامل را تعیین‌کننده می‌داند: «الف-



مصالح زبان؛ ب- شخصیت نویسنده؛ پ- غایت یا امری که باید ابراز شود.» (عبادیان، ۱۳۷۲: ۲۰)

با بررسی سبک‌شناسانه اصول قبضه‌درمی‌یابیم که نثر آن ساده و روان است و تقریباً با دیگر نثرهای دوره منطبق است و فردیتی در آن دیده نمی‌شود؛ البته «مراد از نثر ساده در این دوره نثر مرسلی نیست که امثال بلعمی می‌نوشته‌اند. در نثر ساده این دوره لغات و ترکیبات عربی و اشاره به آیات و احادیث و درآمیختگی شعر و نثر کم نیست.» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۱۵-۲۱۶) در این دوره شاخه‌های زبانی قدیم از بین رفته و زبان عامیانه شده است. در ادامه با بررسی رساله در سه سطح فکری و محتوایی، زبانی و ادبی، این ویژگی‌ها دقیق‌تر مورد مذاقه قرار می‌گیرند.

### ۱-۵. سطح فکری و محتوایی

در سطح محتوایی رساله، کاربرد بسیار چشمگیر آیات، احادیث، روایات، باورهای مذهبی و حکایات دینی مربوط به فنون تیراندازی، آشکارا نشان از غلبه دین‌باوری بر ذهن و ضمیر نویسنده دارد که پیوسته اندیشه و تفکر نویسنده را به خود مشغول ساخته است. البته اصرار نویسنده بر این موضوعات با موضوع اصلی رساله، که در فنون تیراندازی و کمانداری است، همسو نیست؛ به عبارت دیگر، القای مبانی دینی و گزاره‌های مذهبی به خواننده از زوایای گوناگون، متناسب با موضوع اصلی رساله نیست؛ همچنان که افزون بر لحن غالب مذهبی متن، نویسنده در پایان رساله نیز چند فصل جداگانه در موضوعاتی چون غالب و مغلوب، معرفت رجال الغیب و اشعاری از امام علی (ع) می‌آورد که با اندیشه مذهبی او گره خورده است.

به‌طور کلی می‌توان گفت ذکر گزاره‌ها و بن‌مایه‌های دینی، بیشتر برای تقویت و تأیید گفتمان ایدئولوژیک نویسنده است و جنبه دینی و مذهبی اثر را بارزتر می‌سازد و به نوعی ذکر آنها، از یکنواختی و زمختی آموزشی متن می‌کاهد. البته شایان ذکر است که حضور پررنگ گفتمان مذهبی در این رساله، افزون بر باور دینی نویسنده، نشان از تأثیر «گفتمان مسلط» زمانه در ذهن و زبان اوست؛ چراکه «فرد اگرچه مستقل است، اما هیچ‌گاه بیرون از نظام‌های اخلاقی، زیبایی‌شناختی، فلسفی، مذهبی، اجتماعی و زبانی جامعه خود نمی‌تواند زندگی کند... و ناگزیر از دریچه این نظام‌ها به جهان می‌نگرد.» (فتوحی، ۱۳۸۸: ۳۵) در ادامه به برخی از این ویژگی‌های مهم فکری و محتوایی پرداخته می‌شود.



## کاربرد آیه:

نویسنده از یازده آیه در متن رساله بهره برده است: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب / ۵۶) (انصاری گجراتی، همان: ۳)؛ «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ \* وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ \* [وَ] الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ \*» (صافات / ۱۸۰-۱۸۳) (انصاری گجراتی، همان: ۳)؛ «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ [بِهِ] عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال / ۶۰) (انصاری گجراتی، همان: ۴)؛ «قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (نجم / ۹) (انصاری گجراتی، همان: ۱۱)؛ «وَلَا يَشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (كهف / ۱۱۰) (انصاری گجراتی، همان: ۷۷)؛ «سَخَّرْنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مَقْرِنِينَ» (زخرف / ۱۳) (انصاری گجراتی، همان: ۹۰).

## کاربرد حدیث:

همچنین نویسنده از دوازده حدیث در متن رساله استفاده کرده است: «عَشْرَةٌ مُبَشِّرَةٌ» (همان: ۶)؛ «إِنَّ اللَّهَ وَتَرَى وَيُحِبُّ الْوِتْرَ» (همان: ۸)؛ «مَنْ عَلَّمَ الرَّمْيَ ثُمَّ تَرَكَهُ فَلَيْسَ مِنَّا» (همان: ۱۰)؛ «أَنْتُمْ الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» (همان: ۷۶)؛ «أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَيْنَظُرُ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ [وَ] يَبَيِّنُكُمْ» (همان: ۷۷).

## اشارات و باورهای دینی:

«اگر کسی تیر اندازد او را ثواب بهشتیان و حوران نصیب گردد» (همان: ۶)؛ «کمان را باید که به حاجت غسل بی‌وضو دست نکنند... هر تیری که اندازد بسمله گفته اندازد» (همان: ۷۵)؛ «دیگر آنکه مَهْمَا أَمَكْنَ بِهِ جِهَةً قَبْلَهُ نَهْ أَنْدَاذُ كَيْ بِيْ اَدْبِيْ اسْت» (همان: ۷۸)؛ «کمان را بل جمیع [آلت] حرب‌ها را بی‌طهارت در دست نگیرد که آلت غر [ظفر] است» (همان: ۷۹)؛ «تیراندازی در عصر مغرب باید کرد. روز جمعه جهت تیراندازی مخصوص است» (همان: ۸۰)؛ «چون بر اسب سوار شود سبحان الله سه بار الحمد لله سه بار الله اکبر سه بار گوید هفت مرتبه سلام گوید» (همان: ۹۰).

## استفاده از اشعار فارسی:

در این رساله نویسنده با آوردن واژه «فرد»، «بیت»، «مصراع»، «نظم» و «قطعه» که با رنگ قرمز در متن مشخص شده، به مناسبت موضوع و تأیید و تثبیت کلام خود، گاه از اشعاری استفاده می‌کند. تعداد این ابیات هفده بیت



است که بیشتر آنها از نظر وزن و محتوا ضعیف و سست است و به نظر می‌رسد نویسنده خود متناسب با محتوای متن رساله، اشعاری سروده و به متن افزوده است:

«ناز و عزمی تو کماندار نیست / و نه به مقصد دو کمان‌وار هست» (همان: ۱۱)؛ «گر تو خواهی کمان چون مه نو / اشرفی گیر پیش بخش برو» (همان: ۵۱).

البته نویسنده گاهی ابیاتی از استاد طاهری (استاد برجسته تیراندازی که رساله‌ای منظوم در تیراندازی دارد) را نیز با تغییراتی (حذف، اضافه، جابه‌جایی) آورده است:

«خواهی که تیرت از دل سندان گذر کند / اندک بتاب مشت بزن هر دو شانه را» (همان: ۳۵)؛ «ای بر سر نشانه نشان کرده شانه را / ای شانه را به تیر زده یا نشانه را» (همان: ۹۱).

همچنین نویسنده چند بیتی را، به گفته خود، از زبان عربی ترجمه کرده است:

«سوی مشرق دوشنبه و شنبه / نروی ای برادر من به؛ آنچه از مغرب آورد کینه / روز یکشنبه است آدینه؛ روز سه‌شنبه و چهار به فال / نروی زینهار سوی شمال؛ روز پنجشنبه ای نکواختر / رخت خود جانب جنوب مبر» (همان: ۱۱۰).

برخی از ابیات ذکرشده نیز در رساله‌های پیش از این ثبت شده است:

«از وسط می‌جهد به جلدی تیر / در وسط تیر را برابر گیر» (همان: ۱۹)؛ «از کمان سست سخت انداختن / کار هر بافنده و حلاج نیست» (همان: ۷۴).

### ذکر حکایات:

«نقل است شقیق بلخی رحمه الله علیه بیمار بوده، مردم به عیادتش رفتند. دیدند که تیراندازی می‌کند. چون از تیرانداختن فارغ شد، او را به‌غایت ضعیف و بیمار یافتند. گفتند شقیق در این حالت چه هنگام تیراندازی بود. شقیق گفت چون وقت بر خود نیک خواستم دیدم که به بهترین عبادت مشغول گردم. چون عبادتی به از تیراندازی ندانستم، بدان مشغول شدم» (همان: ۸).

«از خدمت حاجی نظر نقل کرده‌اند که به ملازمت ابوی علیه الرحمه به سیر میدان پیش قلعه صورت برآمده



بودند با جمعی از فضلاهی همچنن پیاده سیر می‌کردند. غالباً پیش در قلعه در میدان ماده گاوی می‌چریده کسی گفته باشد حضرت آخوند ازین قدر راه تیر کاری تواند کرد. آخوند گفتند اگر خان فرمایند، تیر اندازیم. ابوی ام فرمودند تماشا کنیم. آخوند کمانی بر دوش، خاکی در کمر داشتند. در خانه کمان درآمده، انداختند. نقل می‌کنند که خاکی آن طرف گاو گذر کرده بود. حاضران بر این عقیده شدند که تیر خطا شد. درین بودند که گاو افتاده؛ چون پیمودند پانصد قدم راه بوده؛ خاکی پاک از گاو جسته» (همان: ۷۱).

### اشاره به باور قدما:

«شاگرد را باید که هر روز دو وقت تیراندازی کند، مگر روز چهارشنبه که قدما منع فرموده‌اند. ظاهراً از برای آنکه چهارشنبه به عطارد تعلق دارد. آن را تیر فلک می‌گویند» (همان: ۶۷)؛ «دیگر آنکه بر چراغ و به روشنی بخش تیر نه اندازد» (۷۹)؛ «شب خود فروز آوردن کمان از واجبات است.» (همان: ۷۹)؛ «باید جهت رجال الغیب را به جانب پشت خود کرده تکیه به ایشان نموده جنگ کند به آن جانب تیر اندازد» (همان: ۱۰۸).

### نقل سخن بزرگان و اقوال مشهور:

«چنانچه مشهور است که پر بکش و بد انداز» (همان: ۶۳)؛ «بزرگان گفته‌اند سه چیز را از خود زبون نباید داشت: کمان و اسپ و زن خانه» (همان: ۶۹)؛ «الضرورات تبیح [ال]محدورات» (همان: ۷۸)؛ «چنانچه گفته‌اند کج نشین راست اندازد» (همان: ۸۷)؛ «گفته‌اند انتظار دایمی سبب حصول مقصود» (همان: ۹۳).

### کاربرد عبارتهای دعایی:

«اسعدک الله تعالی فی الدارین» (همان: ۳)؛ «ایدالله تعالی»، «علیه التحیات» (همان: ۵)؛ «صحابه، رضی الله عنهم اجمعین» (همان: ۷)؛ «اصحاب، رضوان الله علیهم اجمعین» (همان: ۹)؛ «رحمه الله علیه [و] علی معاصره اجمعین» (همان: ۷۴)؛ شاه ولایت، کرم الله تعالی وجهه (همان: ۱۱۰).

### ۲-۵. سطح بلاغی

از آنجا که موضوع اصلی این رساله تیراندازی و کمانداری است، متن وجهه ادبی چشمگیری ندارد و اعتبار و ارزش رساله متکی بر محتوا و واژگان و اصطلاحات آن است. البته این خصیصه ویژگی مشترک این گونه رساله‌های



علمی و آموزشی است و در این رساله نیز تعداد شواهدی که نمایانگر جنبه ادبی و هنری رساله است، بسیار نادر است؛ تاجایی که برخی از عناصر بلاغی، مانند استعاره هیچ کاربردی در این رساله ندارد و برخی دیگر مانند کنایه و تشبیه هم نمونه‌های محدودی دارند که آن هم تشبیهات و کنایات عادی و رایج در زبان فارسی است.

بیشتر کنایات به کار رفته در این رساله با تعبیرهای مختلف، کنایه‌های وصفی از پیامبر اکرم (ص) است که نشانگر تشخیص انگاره‌های دینی و رابطه بن‌مایه‌های ایدئولوژیک متن با عناصر ادبی است؛ به عبارت دیگر در این بخش نیز نویسنده تلاش دارد با آوردن عبارات و تعبیرات خاصی، جنبه مذهبی و دینی اثر خود را برجسته‌تر سازد: «شاخص‌هایی که نویسنده برای افراد و نهادها به کار برده و بسامد واژه‌های نشان‌دار در سخن وی، نشان‌دهنده پیوند متن با ایدئولوژی هستند.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۰)

### کاربرد کنایه:

«خلاصه موجودات» (همان: ۳)؛ «سید ابرار» (همان: ۵)؛ «آن سرور»، «حبیب رب العالمین» (همان: ۷)؛ «سرور کاینات»؛ «خلاصه موجودات» (همان: ۹)؛ «رسالت پناه» (همان: ۶۲).

### کاربرد تشبیه:

«سرحلقه تیراندازان ابی وقاص» (انصاری گجراتی، همان: ۶)؛ «عزیزان نور دیده» (همان: ۱۲)؛ «کمان بی دم در رنگ جسم بی جان است» (همان: ۸۰)؛ «حصن حصین حدیث نبوی» (همان: ۹۱)؛ «شکم اسب در رنگ به طبق پهن می ماند» (همان: ۱۱۳).

### کاربرد ماده تاریخ:

«این رساله مسمی است به اصول قبضه و اصول قبضه تاریخ تألیف این رساله می شود» (همان: ۱۴)؛ «از قبضه کمان تاریخ جمع است. هادی قواعد تیراندازی تیر تاریخ است. کتاب تیر نیز تاریخ است. اصول قبضه تاریخ ترتیب رساله و اسم رساله متسود حسبی الله ربی نعم الوکیل» (همان: ۱۰۲)

### کاربرد کلمات متضاد:

درآمد و برآمد (همان: ۱۲)؛ نرم و شخ (همان: ۲۳)؛ نفع / ضرر (همان: ۶۵)؛ صبح / شام؛ زیاده / نقصان (همان: ۲۹۱)



۶۶؛ پستی / بلندی (همان: ۸۵).

### ۳-۵. سطح زبانی

بررسی متن از دیدگاه سطح زبانی و تبیین و تشخیص ویژگی‌های برجسته آن بدون شک یکی از کارآمدترین و مهم‌ترین راه شناخت هر چه بیشتر متن است. بسامدها، اشتراکات، نوآوری‌ها و تفاوت‌ها در حوزه‌های مختلف سطح زبانی یک اثر و مقایسه آن با آثار دیگر، سبک هر نویسنده‌ای را به خوبی تبیین می‌کند: «آنچه خصوصیات زبانی یک اثر ادبی را مشخص می‌کند عبارت است از ویژگی‌های آوایی واژگ‌ها، واژگان، گروه‌های اسمی و فعلی و جمله و ارتباط مؤثری که بین این اجزا وجود دارد.» (حق‌شناس، ۱۳۷۶: ۱۲)

از مهم‌ترین مؤلفه‌های زبانی در هر متنی، نوع کاربرد واژگان است: «بسیاری سبک را هنر واژه‌نویسی می‌دانند و در کار شناخت سبک تنها بیش از هر چیز چشم بر واژگان دوخته‌اند.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۴۶) یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های واژگانی در این رساله، به کارگیری واژگان و اصطلاحات عربی است. این واژگان که می‌توان آنها را در چند دسته مختلف تقسیم‌بندی نمود، گاه به صورت مفرد و گاه به صورت مرکب و گاهی نیز به شکل جمله‌های دعایی آمده‌اند. کاربرد چشمگیر و پربسامد این شاخصه در این رساله تا آنجاست که به راحتی می‌توان آن را جزو برجسته‌ترین ویژگی زبانی به حساب آورد. این کاربرد گسترده واژگان و اصطلاحات عربی، چنانکه در سطح محتوایی اشاره شد، ارتباط تنگاتنگی با اندیشه دینی نویسنده دارد. همچنین از دیگر ویژگی‌های زبانی این رساله، کاربرد واژگان و اصطلاحات متعدد هندی است.

کاربرد واژگان و اصطلاحات تخصصی مربوط به تیراندازی و کمانداری، یکی دیگر از شاخصه‌های مهم این رساله در سطح زبانی است. البته برخی از این واژه‌های به کاررفته در این رساله در دیگر رساله‌ها نیز کاربرد دارند، ولی برخی از آنها ناآشنا و نادر هستند. این واژگان به زبان‌های ترکی، هندی، عربی و فارسی هستند که گاهی به شکل مرکب، گاه ترکیبی و گاه بسیط و ساده به کار رفته‌اند.

از دیگر مؤلفه‌های مربوط به سطح زبانی، بسامد عناصر موسیقایی، مانند سجع، تکرار و واج‌آرایی است که به ندرت می‌توان در این رساله نشانی از آنها یافت. این امر حتی در ابتدای رساله که عموماً این عناصر در آن تراکم فراوانی دارد، نیز به چشم نمی‌خورد که دلیل آن بی‌گمان بی‌توجهی نویسنده به صورت و روساخت و تمرکز او به ارائه



محتواست.

دیگر مؤلفه‌ی مربوط به سطح زبانی در بررسی سبک‌شناسی، حوزه‌ی نحوی است. این رساله همانند دیگر متون نثر مربوط به قرن یازدهم، دارای نثری روان و ساده، و در عین حال، بی‌مایه و سست است. از ویژگی‌های متعدد نثر این دوره، این موارد است: «استعمال افعال گوناگون با پیشوندهای متعدد...، مطابقت صفت و موصوف به شیوه‌ی عربی...، آوردن شعرهای سست، که غالباً اثر طبع خود مؤلفان می‌باشد...، ترک دقت و مواظبت در سندها و احوال تاریخی... نثر این دوره را از رونق انداخته بود.» (بهار، ۲۵۳۵: ۲۵۵) نویسنده در بخش آموزش تیراندازی، با وجه التزامی همواره مخاطب خویش را با پند و اندرزهای اخلاقی و باید و نبایدهای مربوط به فن تیراندازی و رعایت اسلوب و قواعد آن بر مبنای احادیث دینی و مذهبی رهنمون می‌سازد؛ اما در ذکر روایات و احادیث و صبغه‌های دینی متن، نویسنده وجه اخباری در پیش می‌گیرد.

### لغوی:

#### کاربرد واژگان و اصطلاحات خاص تیراندازی و کمانداری

پای‌بوته (انصاری گجراتی، همان: ۸)؛ برلیس، اوق کسمک، بریلبون (همان: ۱۱)؛ کپر، کپرچه، کژاندازی، آتقو (همان: ۱۲)؛ تپکو، لیزم (همان: ۱۵)؛ قبضه بهرامی، محرف، موشک، سینه، دامن، سخت (همان: ۱۷)؛ مسواک کردن تیر (همان: ۱۸)؛ شست بهرامی، چنگل باز، شیردهان (همان: ۱۹)؛ تلوکش، پرکش، سرشاخ، دم شاخ، سرآستین، گردمشت، مربع چهارسو (همان: ۲۱)؛ سلامی قبضه، خفه (همان: ۲۵)؛ فرضه، فاق (همان: ۲۷)؛ کند کردن (همان: ۲۸)؛ نگاه طاهری (همان: ۳۰)؛ هلال‌نما (همان: ۳۴)؛ غنیم (همان: ۳۶)؛ مهدم (همان: ۴۲)؛ خط (همان: ۴۵)؛ سیسر (همان: ۴۷)؛ آیان (همان: ۴۸)؛ فطره (همان: ۴۹)؛ وطیره (وتیره) (همان: ۵۰)؛ هلال خم، ابروخم، چارچاق (همان: ۵۴)؛ ناچاق (همان: ۵۵)؛ گوشه‌گیر، خاکی، یک پله (همان: ۵۶)؛ تانک (همان: ۵۸)؛ چله باوردی، چله بافه (همان: ۶۱)؛ چله کوتل، قرمه (همان: ۶۲)؛ سراسبی (همان: ۶۶)؛ لیث (همان: ۷۲)؛ کزخم، هلال خم، هموارخم، چارخم (همان: ۸۳)؛ کز کوفته، کوفته انداختن (همان: ۸۴)؛ کوفته (همان: ۸۶)؛ قبق (همان: ۸۸).



برای نمونه توضیحاتی درباره یکی از این واژه‌های خاص آورده می‌شود: «اوقکسمک آن است که نشانه بر زمین مانده است. سواره به جانب راست پای نشانه تازد. کمان را بالای دو گوش اسب ایستاده کند. خود در خانه زین کج نشیند. زور را بر رکاب چپ نهد و به سرین راست بر جنای زین در خانه زین کج نشیند؛ چنانچه گفته‌اند کج نشین راست اندازد. [د] ر تاختن تیر را از کمر کشیده، به خانه کمان درآید. چون اسب از نشانه گذاره شود، تیر را از بالای دم‌گاه اسب خواه از جانب سرین چپ کند دهد، اما اسب را از جانب چپ نشانه تاختن [و] تیر را از جانب سرین راست انداختن هنر است». (همان: ۸۸)

### کاربرد واژگان و اصطلاحات هندی

دساسول (همان: ۱۶)؛ بانس (همان: ۳۹)؛ بنیر، تانده، کهوره (همان: ۵۲)؛ رتی، ماسه، شیرشاهی (همان: ۵۸)؛ فروز (همان: ۵۹)؛ ایام برسات (همان: ۸۳)؛ مرکن (همان: ۹۱)؛ کوو (همان: ۹۵)؛ برمه کردن (همان: ۹۶)؛ کیهره، سبد بیدهی (همان: ۹۷)؛ سکریلدر (همان: ۱۰۸).

### کاربرد واژگان و اصطلاحات مرکب

یراقدار (همان: ۴)؛ غرق انداز، سرشاخ، میان قبضه، دم‌شاخ، سرآستین (همان: ۲۱)؛ سگ‌دست (همان: ۲۲)؛ ابروکشی، ریش‌کشی، بروت‌کش (همان: ۲۴)؛ جمع‌اندازی (همان: ۳۷)؛ پس‌کش (همان: ۴۶)؛ ترکش‌بند (همان: ۵۵)؛ تیراندازی، تفنگ‌اندازی، نیزه‌بازی، شمشیربازی، سواری اسب، چوگان‌بازی (همان: ۷۶)؛ زراندازی (همان: ۸۱)؛ قبق‌اندازی (همان: ۸۷).

### کاربرد کلمات و عبارات عربی

حسب‌الحکم (همان: ۶)؛ استفسار، حیز (همان: ۱۰)؛ صمدیت لاهوتی (همان: ۱۱)؛ اکابر سلف (همان: ۱۳)؛ انام (همان: ۱۷)؛ خنصر، بنصر، وسطی (همان: ۲۶)؛ عقد مسنون (همان: ۲۷)؛ الله اعلم (همان: ۳۴)؛ ثلث (همان: ۴۴)؛ مساوی‌الطرفین (همان: ۴۶)؛ صوبه (همان: ۵۱)؛ ورطه اعتبار (همان: ۶۴)؛ محمول بر نفع (همان: ۶۷)؛ بین‌القدمین (همان: ۷۰)؛ بسمله (همان: ۷۵)؛ عزاً خالصاً لله تعالی، ارباب‌النیت (همان: ۷۶)؛ مَهْمَا أَمَّكَن (همان: ۷۸)؛ اسلوب‌الوقت (همان: ۸۱)؛ مرعی، فی حد ذاته (همان: ۸۴)؛ لامثال (همان: ۸۹)؛ دخول قوت، استدراج مستغفر (همان: ۱۰۰)؛ مسوده (همان: ۱۰۳)؛ الحمد لله المنه، رسایل سلف (همان: ۱۰۴)؛ رجال الغیب



(همان: ۱۰۵)؛ علی هذا القیاس، بین‌المشرقین، فی‌المثل (همان: ۱۰۶)؛ واللہ اعلم بالصواب (همان: ۱۱۵).

### کاربرد واژگان فارسی سره

پا (همان: ۴)؛ بدنما (همان: ۲۱)؛ خوش‌نما (همان: ۲۹)؛ هلال‌نما (همان: ۳۴)؛ آیان (همان: ۴۸)؛ خوش‌تهیه (همان: ۵۱)؛ خاطرخواه (همان: ۵۵)؛ افگار (همان: ۵۹)؛ زیادتی (همان: ۶۳)؛ جای‌نشین (همان: ۸۶)؛ جنای (همان: ۸۸)؛ میان‌کاواک (همان: ۹۳)؛ دریوزه (همان: ۱۰۴).

### کاربرد صفات پی‌درپی

کمان بر دوش افکنده و تیری چند در کمر کرده (همان: ۹)؛ محکم و سخته و کم‌گره و هموار و صاف و راست و درست (همان: ۴۰)؛ آبدار باشد و فولادی و تیزپره سوزده (همان: ۴۳)؛ سبک هموار خوب سوهان‌گری‌کرده خشک‌شده (همان: ۴۶)؛ دراز و کوتاه و پهن و لک و تنگ (همان: ۵۳)؛ بی‌تصدیع و تکلف (همان: ۶۹)؛ سر راست جلد صاف دو (همان: ۸۸).

### مطابقت صفت و موصوف عربی

قول کثیره (همان: ۳)؛ جماعت کثیره، اصحاب کرام (همان: ۴)؛ ضابطه قدیمه (همان: ۱۳)؛ انواع حیل (همان: ۱۴)؛ ادعیه مأثوره (همان: ۱۶)؛ عیوب لازمه (همان: ۲۵)؛ شهرت کاذبه (همان: ۵۲)؛ عبادت مقبوله (همان: ۷۶)؛ علوم متداوله (همان: ۱۰۳)؛ ادعیات مأثوره (همان: ۱۰۵).

### کاربرد یای اضافه در پایان اسم

منتهای (همان: ۱۳)؛ هوای (همان: ۲۷)؛ پهنای (همان: ۴۶)؛ ادای (همان: ۶۳)؛ فضالی (همان: ۷۲).

### تخفیف واژه

زیراک (همان: ۱۳)؛ کم (در معنای کمتر) (همان: ۴۶)؛ کم (در معنای کمی) (همان: ۵۳)؛ بل (همان: ۷۹)؛ بلک (همان: ۹۴).



## کاربرد مترادفات و کلمات معطوف

«سلام و درود» (همان: ۷)؛ «ضعیف و بیمار» (همان: ۸)؛ «نقصان و قصور» (همان: ۱۳)؛ «مجمع اوصاف صوری و معنوی ذات انسان» (همان: ۴۲)؛ «اسلوب و قواعد و آداب»؛ «ادای کند به جای آورد» (همان: ۶۳)؛ «هیچ کار بی حضور دل نتیجه ندهد کار بر مراد نگردد» (همان: ۹۰).

### موسیقایی:

### کاربرد واج‌آرایی و سجع

نفس نفیس (همان: ۳)؛ سبیل سنت (همان: ۷)؛ جبین مبین (همان: ۹)؛ درکوشند/ بیوشند؛ فایده/ فاتحه (همان: ۱۳)؛ التزام/ لیزم (همان: ۱۵)؛ اقوال/ افعال/ اعمال (همان: ۱۹)؛ غرق/ برق (همان: ۲۰)؛ حساب/ سبابه/ محسوبست (همان: ۳۶)؛ چوب/ خوب (همان: ۴۰)؛ حصن/ حصین/ حدیث (همان: ۹۱)؛ نرم/ گرم (همان: ۹۴)؛ افاده/ استفاده (همان: ۱۰۳)؛ روح/ فتوح (همان: ۱۰۸).

### دستوری (نحوی):

### کاربرد فعل ساده فارسی

### الف) با «ب» زینت/تأکید

بگردند (همان: ۱۰)؛ بکشد (همان: ۱۷)؛ بشکند (همان: ۵۹)؛ بگسلد (همان: ۶۲)؛ بایستد (همان: ۶۳)؛ برسد (همان: ۶۶)؛ بگردد (همان: ۸۸)؛ بگذرد (همان: ۸۹)؛ بدارد (همان: ۹۸)؛ ببندد (همان: ۹۹)؛ به پرهیزد (بپرهیزد) (همان: ۱۰۱)؛ بگوید (همان: ۱۰۹).

### ب) بدون «ب» زینت/تأکید

گنجد (همان: ۱۰)؛ بندد (همان: ۳۳)؛ دوزد (همان: ۳۴)؛ فرماید (همان: ۶۵)؛ اندازد (همان: ۶۹)؛ خلاند (همان: ۷۵)؛ تازد (همان: ۸۶)؛ آید (همان: ۸۹)؛ بندد (همان: ۹۹)؛ ایستد (همان: ۱۰۸)؛ گوید (همان: ۱۰۹).

### ج) با منفی‌ساز «نه»

نه درآید (همان: ۷۵)؛ نه برد (همان: ۷۹)؛ نه اندازد (همان: ۹۲)؛ نه برآید (همان: ۱۰۷).



## کاربرد فعل مرکب (الف) با فعلیاری عربی

مشغول شدم (همان: ۸)؛ استفسار نمودند (همان: ۹)؛ فخر می‌نماید (همان: ۱۰)؛ التماس نمود (همان: ۱۱)؛ بعید می‌نماید (همان: ۱۳)؛ متمکن گردد (همان: ۱۹)؛ تجویز نموده‌اند (همان: ۶۱)؛ مقام کند (همان: ۶۳)؛ التزام کند (همان: ۶۴)؛ تعلق دارد (همان: ۶۷)؛ متعذر است (همان: ۶۸)؛ محکم کند (همان: ۹۰)؛ حرم سازد (همان: ۹۹)؛ مستغفر گردد (همان: ۱۰۰)؛ رعایت کند (همان: ۱۰۵)؛ التماس کند (همان: ۱۰۹)؛ طرح می‌کنند (همان: ۱۱۱).

## (ب) با فعلیاری فارسی

شرمنده کند (همان: ۶۹)؛ بند کند (همان: ۸۶)؛ کج نشیند (همان: ۸۷)؛ یاد دارم (همان: ۸۹)؛ پیوند می‌کنند (همان: ۹۵).

## کاربرد فعل مشتق

بازآیند (همان: ۵)؛ فروریختند (همان: ۹)؛ درپوشند، دریابند (همان: ۱۳)؛ فروآرند (همان: ۵۹)؛ درمی‌آرند (همان: ۹۱).

## کاربرد عبارت فعلی

«به زور تیراندازی از آن جماعت برآمده» (همان: ۵)؛ «تیر به چله بند کرد» (همان: ۹)؛ «در حیّز این رساله گنجد» (همان: ۱۰)؛ «به هم می‌رسد» (همان: ۵۰)؛ «از ورطه اعتبار بیرون است» (همان: ۶۸)؛ «به جای آورد» (همان: ۶۹)؛ «در خانه زین... نشیند، به خانه کمان درآید» (همان: ۸۷)؛ «کار بر مراد نگردد» (همان: ۹۰)؛ «به در سازد» (همان: ۱۰۰)؛ «نظر از من بازمدارید» (همان: ۱۰۹).

## کاربرد جمله‌های کوتاه و فعل‌های زیاد

«پیاپی تمام استقامت دست بکشد مقام کند ادای کند به جای آورد، اما چله را رها می‌نکند قصد زیادتی در کشیدن کند» (همان: ۶۳)؛ «چون هزار پار تیر اینجا انداخت همان نشانه درونی که چرم سیاه بود، بدارد. باقی را



دور کند و صد قدم پیموده بنهد؛ چون بر سر صد قدم راست برسد، بی خطا می‌گردد» (همان: ۹۸-۹۹).

### کاربرد جمله‌های بدون فعل: حذف فعل

«به نفس نفیس متوجه تیراندازی می‌شده، اصحاب کرام را ترتیب می‌نموده، در میدان تیراندازی به دولت و سعادت خود تشریف می‌برده [است]» (همان: ۳)؛ «آنچه از بزرگان این فن و استادان کامل این علم شنیده [ام] و بعضی چیزها را خود جمع ساخته [ام، بنویسم/گردآورم]» (همان: ۱۲)؛ «کمان را گفته [اند] سه قسم است؛ احتمال گسیختن چله و شکستن کمان [است]» (همان: ۴۷)؛ «کمان را به حوض آب می‌انداخت [ند] بعد از هفته برمی‌آوردند» (همان: ۴۹)؛ «گفته‌اند انتظار دایمی سبب حصول مقصود [است]» (همان: ۹۳)؛ «اگر چه تقدیر افعال از حق تعالی [است]» (همان: ۱۰۱).

### کاربرد خاص فعل (از نظر زمانی)

«خوب خشک شده می‌بود، می‌شکسته» (همان: ۵۹)؛ «رها می‌نکند» (همان: ۶۳)؛ «می‌کشیده باشد» (همان: ۶۴)؛ «به نقصان می‌کشیده باشد» (همان: ۶۶)؛ «موافق... بوده باشد» (همان: ۷۱)؛ «اگر باد موافق می‌باشد، دور می‌رود» (همان: ۹۵)؛ «می‌انداخته باشد» (همان: ۹۷).

### تقدیم فعل

«هر که بیاموزد تیراندازی را و بعد از آن ترک کند، پس او از ما نیست» (همان: ۱۰)؛ «اگر باد موافق می‌باشد دور می‌رود برابر به دو سه تیر ظاهراً بر دو» (همان: ۹۵)؛ «به فاتحه یاد کنند مؤلف فقیر حقیر» (همان: ۱۰۲).

### کاربرد فعل با وجه وصفی

«تیر را در قبضه کمان غرق ساخته، در رنگ برق جلد می‌اندازند» (همان: ۲۰)؛ «تیر را تمام کشیده، کند می‌کند» (همان: ۲۹)؛ «پای چپ را پیش نهاده، سست گذارد... سبابه چپ را از قبضه جدا ساخته، چنانچه گذشت» (همان: ۳۲)؛ «یک طرف او را زبانه ساخته، در ته سیسر می‌خلانند» (همان: ۵۶)؛ «در یک گوشه کمان سیسر را انداخته، چله با کمان فروز آمده پیماید» (همان: ۶۰)؛ «آن عدد که صباح آن روز کشیده، بکشد» (همان: ۶۴)؛ «پشت کمان را فروز آورده، بدارد» (همان: ۷۹)؛ «در خانه کمان درآمده، انداختند» (همان: ۷۲)؛



«به شرطی که غله کمان را تمام کشیده، بتابی» (همان: ۸۲)؛ «اگر کمان را ایستاده کرده، اندازند» (همان: ۸۵)؛ «تیر را از کمر کشیده، به خانه کمان درآید» (همان: ۸۷)؛ «قبق را به نظر آورده، تکه اندازد» (همان: ۸۹)؛ «بر آتش نرم گرم ساخته، می اندازند» (همان: ۹۴)؛ «چهل قدم پیموده، بنهد» (همان: ۹۸)؛ «به جانب پشت خود کرده، تکیه به ایشان نموده، جنگ کند» (همان: ۱۰۷).

### کاربرد قید

#### الف) فارسی / فارسی شده

از آن باز؛ به‌غایت (همان: ۸)؛ تیزتیز (همان: ۹)؛ گوئیا (همان: ۴۹)؛ تلم تلم (همان: ۵۲)؛ کم کم (همان: ۵۴)؛ خاطرخواه (همان: ۵۵)؛ بسیار بسیار (همان: ۶۵)؛ به‌هر حال (همان: ۶۸)؛ کم کم، آهسته آهسته به‌تأنی، نرم نرم (همان: ۸۳)؛ پزان (همان: ۹۶).

#### ب) عربی

مکرراً (همان: ۴)؛ درساعه (همان: ۷)؛ فی الحقیقه (همان: ۱۳)؛ جبراً (همان: ۱۸)؛ بعینه، فاما (همان: ۲۲)؛ نهایت الامر (همان: ۴۴)؛ تخمیناً، یحتمل (همان: ۴۵)؛ الحال (همان: ۵۰)؛ غایت (همان: ۵۱)؛ لهذا (همان: ۶۳)؛ فرضاً (همان: ۵۱)؛ اولاً (همان: ۶۲)؛ ظاهراً (همان: ۶۷)؛ فی المثل (همان: ۶۸)؛ سابقاً (همان: ۹۹).

#### کاربرد رای اضافه

«سعد را بگوی» (همان: ۷)؛ «هر هنری و علمی را ضابطه‌ای است» (همان: ۱۳)؛ «چنگل باز را هیچ کمی از بهرامی نیست» (همان: ۲۱)؛ «به شرطی که پاشنه را زور نفرماید» (همان: ۲۳)؛ «به هیچ جانب تیر را تکیه نکند؛ گر ترا باشد از اعداد شناخت» (همان: ۲۷)؛ «چنانچه در هند گویند تیر را سه حستر می‌باید» (همان: ۳۸)؛ «تیر را بلندی است» (همان: ۴۳)؛ «کمان را گفته [اند] سه قسم است» (همان: ۴۷)؛ «چهار استاد دیگر را هم بیت‌ها عنایت نموده بودند» (همان: ۵۰)؛ «ایشان حضرت او را بیتی مرحمت نمودند» (همان: ۵۱)؛ «ترکش بند را لازم است که چاق‌گری آموزد» (همان: ۵۵)؛ «کمان چهل منی را سه منی می‌باید» (همان: ۵۷)؛ «روپیچ چله را قضاقی باید پیچید» (همان: ۶۱)؛ «مبتدی را باید که تکه و کمان همیشه با خود دارد» (همان: ۶۴)؛ «شاگرد را تا آنکه دست نظر او مستقیم شود از لیزم تیراندازی فرماید» (همان: ۶۵)؛ «هر نوع کمانی که او را پیش آید، به مدد الهی



می‌کشد» (همان: ۶۶)؛ «شاگرد را باید که هر روز دو وقت تیراندازی کند» (همان: ۶۷)؛ «تیراندازی را هیچ زور بازو در کار نیست» (همان: ۷۴)؛ «بریلسون انداختن او را آسان می‌شود» (همان: ۷۶)؛ «شاگرد را باید که پیوسته تکه کمان داشته باشد» (همان: ۸۱)؛ «یکی را گوید» (همان: ۹۹)؛ «حق تعالی ایشان را اختیار داده» (همان: ۱۰۰)؛ «مخلص صمیمی را یادآوری فرموده» (همان: ۱۰۳)؛ «رعایت رجال الغیب را» (همان: ۱۰۷).

### کاربرد کاف تصغیر

بلندترک، راست‌ترک (همان: ۱۹)؛ درازترک (همان: ۲۲)؛ میانکی (همان: ۳۳)؛ بالاترک (همان: ۸۶)؛ دورترک (همان: ۹۴)؛ بهترک (همان: ۹۵)؛ چوبک (همان: ۹۶)؛ خوبک (همان: ۱۰۳).

### ۶. نتیجه‌گیری

با بررسی و متن‌شناسی رساله‌ی اصول قبضه، ویژگی‌های برجسته‌ی این رساله در سه سطح زبانی، ادبی و فکری و محتوایی به قرار زیر است که این شاخصه‌ها با دیدگاه مذهبی نویسنده متناسب است: «ایدئولوژی در سطوح مختلف سبک و کلام (نظام‌های آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی) نمود می‌یابد.» (فتوحی، ۳۴۵)

**در سطح زبانی:** وجود واژه‌ها و اصطلاحات تیراندازی و کمانداری ناشناخته و نادر؛ به‌کارگیری واژگان و اصطلاحات هندی به‌شکل گسترده؛ استعمال وسیع کلمات و اصطلاحات و عبارت‌های عربی؛ کاربرد گسترده وجه وصفی و «را»ی اضافه؛ حذف فعل.

**در سطح فکری و محتوایی:** بیان اصول و فنون تیراندازی و کمانداری و ضوابط مربوط به آن؛ استفاده از آیات، روایات و احادیث؛ اشاره به باورهای دینی؛ نقل حکایت و روایت از پیامبر (ص)؛ بهره‌گیری از حکایت‌ها و اقوال مشهور؛ بهره‌گیری از اشعار فارسی.

**در سطح ادبی:** از منظر سطح ادبی، نمی‌توان برای متن مورد مطالعه جایگاهی در نظر گرفت و به‌طور کلی نثر این رساله از عناصر بلاغی خالی است و فقط شواهد بسیار محدودی از تشبیه و کنایه می‌توان در آن یافت که آن هم جنبه هنری ندارد.



## عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.



## منابع

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۹.

انصاری گجراتی، قلیچ‌الله بن محمد قلیچ، نسخه خطی اصول قبضه، شماره بازیابی: ۱۶۲۹۰، به کتابت: کالیسر، استنساخ: هند، ۱۰۵۳ ه.ق.، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، بی‌تا.

بدآونی، عبدالقادر بن ملوکشاه، منتخب التواریخ، به تصحیح مولوی احمد علی صاحب، به کوشش و توضیحات توفیق هـ. سبحانی، ۳ ج، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.

بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۵.

جهانگیر، نورالدین محمد جهانگیر گورکانی، توزک جهانگیری: جهانگیرنامه، به کوشش محمد هاشم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹.

حق‌شناس، علی محمد، آواشناسی (فونتیک)، تهران، نقش جهان، ۱۳۷۶.

درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فخا)، ویراستار مجتبی درایتی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.

دروذباشی، احمد بن محمد، «جامع الهدایه فی علم الرمایه»، فرهنگ ایران زمین، جلد یازدهم، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه، تهران، چاپخانه بهمن، صص ۲۲۹-۲۸۰، ۱۳۴۲.

رازی، امین احمد، هفت اقلیم، تصحیح، تعلیقات و حواشی از سید محمد رضا طاهری (حسرت)، ۳ جلد، تهران، سروش، ۱۳۷۸.

شمیسا، سیروس، سبک‌شناسی نثر، چاپ دوازدهم، تهران، متیرا، ۱۳۸۷.

صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش دوم، چ پنجم، تهران، فردوس، ۱۳۶۹.

عبادیان، محمود، درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات، چاپ دوم، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۷۲.



فتوحی، محمود، «سبک‌شناسی ادبی (سرشت سخن ادبی، برجستگی و شخصی‌سازی زبان)»، فصلنامه زبان و ادب پارسی، شماره ۴۱، صص ۲۳-۴۰، ۱۳۸۸.

—، —، سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران، سخن، ۱۳۹۱.

کتابخانه ملی (تارنما)، به نشانی: [www.nlai.ir](http://www.nlai.ir)

گلچین معانی، احمد، کاروان هند، دو جلد، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.

مایلهروی، نجیب، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹.

متینی، جلال، «تحول رسم‌الخط از قرن ششم تا قرن سیزدهم هجری»، جستارهای ادبی، پاییز، شماره ۱۵، صص ۱۳۵-۱۶۲، ۱۳۴۷.

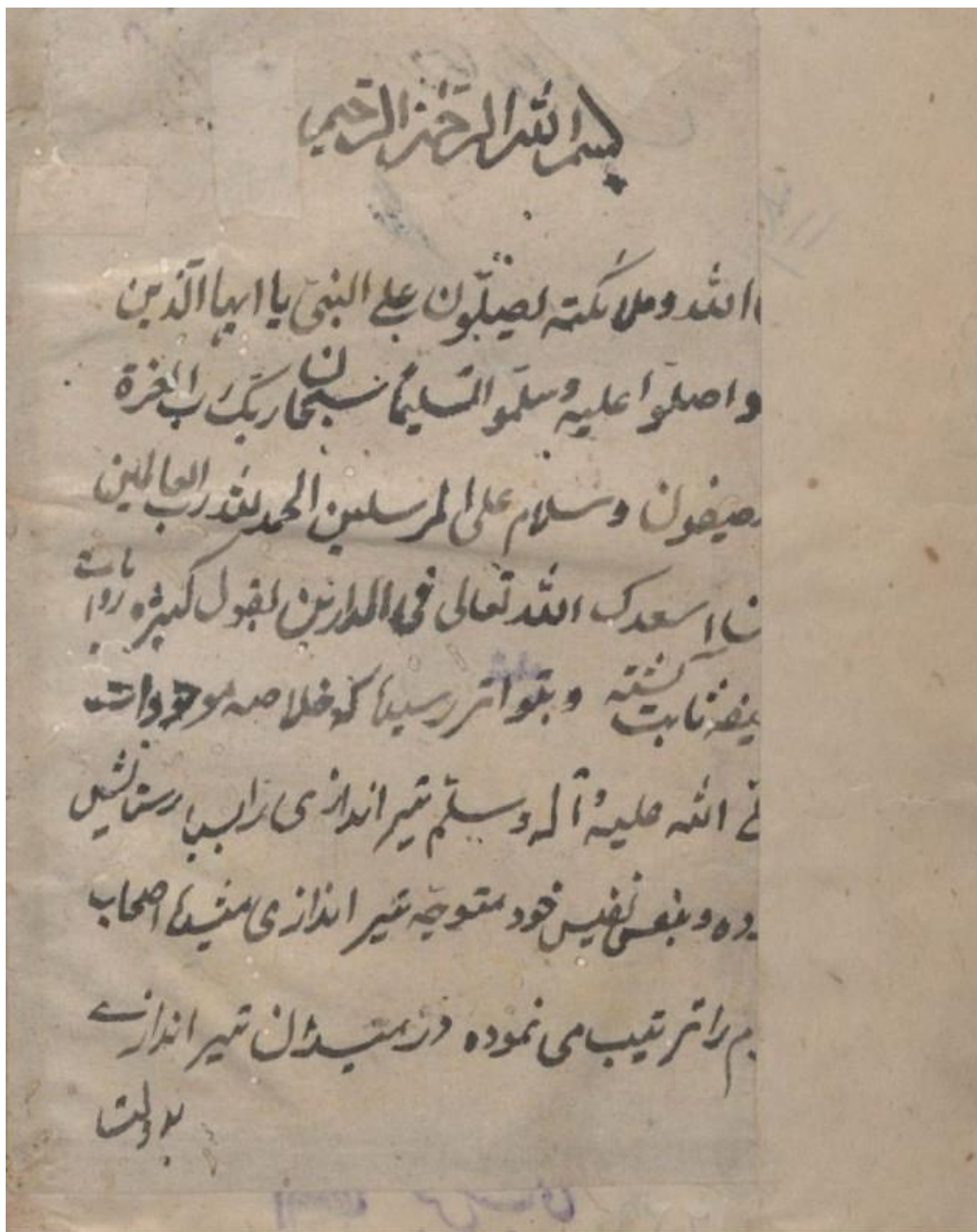
ناشناس، «رساله کمانداری»، به تصحیح ایرج افشار، بررسی‌های تاریخی، ش چهارده، صص ۷۵-۸۸، ۱۳۴۷. ناشناس، رساله‌های تیراندازی: ده رساله در تیراندازی و کمانداری و جنگاوری، مقدمه، تصحیح و توضیح از مهران افشاری و فرزاد مروجی، تهران، چشمه، ۱۳۹۷.

یلمه‌ها، احمدرضا، «بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان در نسخه‌های خطی»، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، شماره نهم، بهار، صص ۱۳۹-۱۶۲، ۱۳۹۰.



## پیوست ها:

### تصویر شماره ۱. صفحه نخست نسخه





تصویر شماره ۲. صفحه پایانی نسخه

